

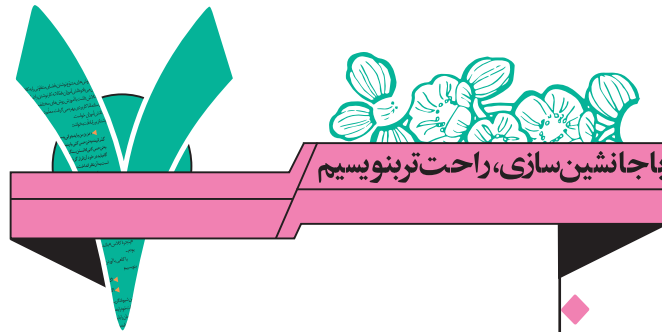


درس هفتم:

باجانشین سازی، راحت تر نویسیم

کتابت و نوشتن به روش صحیح و زیاده به روش صحیح
بناچار به خط و چگونگی نوشتن به روش صحیح
در این کتابت و نوشتن به روش صحیح
و سپس آن را در کتابت و نوشتن به روش صحیح
بناچار به خط و چگونگی نوشتن به روش صحیح
در این کتابت و نوشتن به روش صحیح
و سپس آن را در کتابت و نوشتن به روش صحیح

بناچار به خط و چگونگی نوشتن به روش صحیح
در این کتابت و نوشتن به روش صحیح
و سپس آن را در کتابت و نوشتن به روش صحیح
بناچار به خط و چگونگی نوشتن به روش صحیح
در این کتابت و نوشتن به روش صحیح
و سپس آن را در کتابت و نوشتن به روش صحیح



با جانشین سازی، راحت تر بنویسیم

استفاده از روش های متنوع نوشتن، فضای متفاوتی را به کلاس نگارش داده بود. معلم، روش های جدید را آموزش می داد و دانش آموزان، فعّالانه کار نوشتن را دنبال می کردند.

معلم، تلاش داشت با آموزش روش های مختلف، نوشتن را برای دانش آموزان راحت تر کند، او از روش های ساده، اما کاربردی بهره می گرفت. معلم در ادامه کار و بدون آنکه به تعریف و توضیح روش بپردازد، از دانش آموزان خواست نوشته زیر را با دقت بخوانند:

◀ «عزیز من، باید بتوانی به جای یک سنگ نشسته، دوران گذشته را که توفان زیستن با تو گذرانیده، به تن حس کنی. باید بتوانی یک جام بشوی که وقتی افتاد و شکست، لرزش شکستن را به تن حس کنی! دانستن سنگ بودن یک سنگ، کافی نیست؛ مثل دانستن معنی یک شعر است. گاه باید در خود آن قرار گرفت و با چشم درون آن به بیرون نگاه کرد و با آنچه در بیرون دیده شده است، به آن نظر انداخت.»

◆ (حرف های همسایه)

معلم، پس از خواندن نوشته، به دانش آموزان گفت: «نوشته ای که خواندیم، موضوع درس این جلسه را نشان می دهد.»

شیوه دیگری که برای تقویت ذهن و آسان‌سازی نوشتن، مفید است؛ روش «جانشین‌سازی» است. یعنی هرگاه موضوعی برای نوشتن دربارهٔ موجودات یا اشیا داده شد؛ ما چیزهای دیگر یا خودمان را به جای آن موضوع بگذاریم و از زبان خود یا دیگری دربارهٔ آن بنویسیم.

در سخنان «نیما یوشیج» هم بر همین شیوه تأکید شده است: «باید بتوانی یک جام بشوی که وقتی افتاد و شکست، لرزش شکستن را به تن خود حس کنی!». مثلاً اگر موضوع نوشتن «پنجرهٔ کلاس» باشد، هر کدام از ما خودمان را جای آن قرار دهیم و بنویسیم: اگر من پنجرهٔ کلاس بودم ...
یا گاهی با آوردن «اگر»، راه جدیدی باز کنیم و فرصت تازه‌ای به فکر و خیال خود بدهیم و بنویسیم :

◀ اگر خورشید بودم...

◀ اگر کوه بودم...

این شیوهٔ نگریستن به موضوع و آماده‌سازی ذهن برای بهتر نوشتن، باعث می‌شود که ما عواطف و احساسات خود را به‌سادگی بتوانیم، بیان کنیم و فرصت آفرینش بیشتری به ذهن و خیال خود بدهیم و تخیل خودمان را با پدیده‌ها همراه کنیم و از این راه، خود را به دنیای آن نزدیک سازیم.

معلم در ادامه به دانش‌آموزان گفت: «اکنون از شما می‌خواهم به متن دیگری توجه کنید. در این نوشته، نویسنده، می‌خواهد ویژگی‌های «کتاب» را به ما بشناساند ولی به جای اینکه مستقیماً به خصوصیات کتاب بپردازد، در ذهن خود، کتاب را به‌جای انسان نشانده و سپس آن را با ویژگی‌های انسانی، این‌گونه معرفی می‌کند»:

◀ « بعضی از کتاب‌ها ساده لباس می‌پوشند و بعضی لباس‌های عجیب و غریب و رنگارنگ دارند. بعضی از کتاب‌ها برای ما قصه می‌گویند تا بخوابیم و بعضی قصه می‌گویند تا بیدار شویم. بعضی از کتاب‌ها شاگرد اول می‌شوند و جایزه می‌گیرند بعضی مردود می‌شوند و بعضی تجدید؛ بعضی از کتاب‌ها تقلب می‌کنند... بعضی از کتاب‌ها پرحرف‌اند، ولی حرفی برای گفتن ندارند و بعضی ساکت و آرام‌اند، ولی یک عالم حرف‌گفتنی در دل دارند ... بعضی از کتاب‌ها دوقلو یا چند قلو هستند. بعضی از کتاب‌ها پیش از تولد می‌میرند و بعضی تا ابد زنده هستند.»

◆ (بی‌بال پریدن)



◆ کدام یک از متن‌های زیر، با موضوع این درس (توصیف به روش جانشین‌سازی)، تناسب بیشتری دارد؟ دلیل انتخاب خود را توضیح دهید.

◆ الف) «هنوز در جست و جوی نشان امید بخشی، زیر چشمی به کنده کاری چهره‌اش نگاه می‌کردم که گفت: «به مسافرخانه رسیده‌ایم.» از دریچه‌ای به این پناهگاه وارد شدیم و از طریق یک راهرو داخل محوطه کوچکی شدیم که به نظرم به قبرستانی هموار شبیه بود. این مهمانخانه به نظر من، ملالت‌انگیزترین درختان، اندوه‌بارترین گنجشکان، پریشان‌ترین گربه‌ها و دلگیرترین اتاق‌ها را داشت.»

◆ (آرزوهای بزرگ)

◆ ب) «سقا دلش برای کوزه شکسته، سوخت و با همدردی گفت: از تو می‌خواهم در مسیر بازگشت به خانه ارباب به گل‌های زیبای کنار راه توجه کنی. در حین بالا رفتن از تپه، کوزه شکسته، خورشید را نگاه کرد که چگونه گل‌های کنار جاده را گرما می‌بخشد و این موضوع کمی او را شاد کرد. اما در پایان راه باز هم احساس ناراحتی می‌کرد. چون باز هم نیمی از آب نشت کرده بود. برای همین دوباره از صاحبش، عذرخواهی کرد. سقا گفت: من از ترک تو خبر داشتم و از آن استفاده کردم. من در کناره راه گل‌هایی کاشتم که هر روز وقتی از رودخانه برمی‌گشتیم، تو به آنها آب داده‌ای.»

◆ (هفده داستان کوتاه)

◆ پ) سنگی بودم بر سر راهی، هر کسی که به من می‌رسید، لگدی به من می‌زد و زور و قدرت خود را به من نشان می‌داد. گاهی هم مرا زیر پا می‌گذاشتند و عبور می‌کردند. تا اینکه روزی، یک چیز غول‌پیکری با سروصدایی هراس‌انگیز به طرفم آمد و مرا در میان انبوهی از سنگ و خاک و شن، بلند کرد و بر پشت چیزی سرازیر کرد. دردی سنگین تمام بدنم را فراگرفت. ساعتی در زیر خرواری از سنگ و شن گذشت. فقط این اندازه فهمیدم که مرا به جایی می‌برند. حس عجیبی داشتم. تمام خاطرات گذشته‌ام را مرور کردم. هیچ کدام مثل این، نبود.

◆ (مؤلفان)

.....

.....

.....

.....

◆◆◆ نوشته خود یا یکی از دوستانتان را، بر اساس معیارهای زیر، نقد کنید و نتیجه بررسی را بنویسید.

سنگه‌های ارزیابی :

- ◆ داشتن پیش‌نویس؛
- ◆ داشتن پاک‌نویس (رعایت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط‌املائی، توجه به درست‌نویسی و حاشیه‌گذاری)؛
- ◆ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (آغاز، میانه و پایان)؛
- ◆ بهره‌گیری از شیوه‌جانشین‌سازی و انتقال حس کسی یا چیزی که به جایش سخن گفته می‌شود؛
- ◆ شیوه خواندن.

نتیجه بررسی و داوری

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



◆ من لوازم مدرسه را خریدم.

◆ من لوازمات مدرسه را خریدم.

جملهٔ اول، درست است؛ زیرا لوازم جمع است و نباید آن را دوباره جمع بست.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ تمام امورات تحصیلی را خودش پیگیری می‌کند.

.....

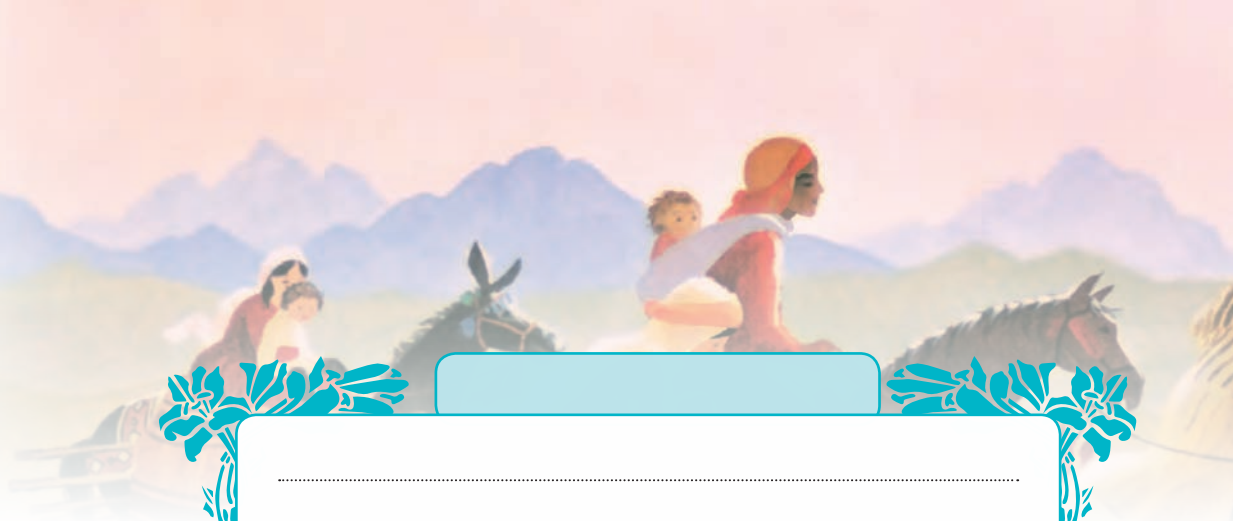
◆ او در مراسمات رسمی، خوب سخنرانی می‌کند.

.....



◆ به دو تصویر زیر با دقت نگاه کنید؛ درباره تفاوت آنها بیندیشید و هر یک را در نوشته‌ای جداگانه توصیف کنید. معیار سنجش نوشته‌های شما تشخیص دوستانان است. یعنی زمانی که نوشته‌هایتان را در کلاس می‌خوانید، آنها باید تشخیص دهند، هر نوشته مربوط به کدام تصویر است.





Blank title box

Decorative writing area with a blue floral border and horizontal lines.

